

منت کش، خودتی...!

اشاره:

بسم الله.

سلام. برای این شماره مجله قرار است در خصوص موضوع خواستگاری دختران از پسران، با هم سخن بگوییم. اما از همان لحظه‌ای که جناب سردبیر عزیز تماس گرفتند و موضوع پرونده این شماره را مطرح کردند، بنده بنای ناسازگاری گذاشتم و اجازه خواستم برای موضوع این شماره مجله چیزی ننویسم و حقیر را معاف کنند زیرا برای تصمیم دلالی داشتم و مایل نبودم درباره مباحث غلیظ فرهنگ مردم، چیزی بنویسم که به تصمیم‌های مهم زندگی‌شان ارتباط مستقیمی دارد! زیرا معتقدم همه انسان‌ها مثل هم نیستند و حرف‌هایی که مطرح می‌شود برای همه مصداق یکسان ندارد بنده و شما، انسان‌های شریفی را سراغ داریم که دارای روحی بلند و خود ساخته‌اند و این سخنان ببری از ذات مهربان و پاک‌شان است.

همواره این نگرانی را هم نمی‌سازد، مبدا این عبارات و نسخه‌هایی که این‌جا مطرح می‌شود، تاثیر بگذارد و ناخواسته مانع ازدواجی شود که موفقیت و سعادت در تعقیب آن زوج بوده است!... اما برای این دلواپسی‌ها چه سود که تلاشم نتیجه نداد. چنانچه اکنون در حال خواندن این عبارات هستید، نشانه آن است که بنده در برابر اراده سردبیر فرهیخته، موفق نبوده‌ام.

به هر طرف که سر می‌چرخانید، می‌بینید شکاف دیگری بر دیوار بلند فرهنگ ایرانیان ایجاد گشته و زمانه لگام گسیخته، کار خودش را کرده

است! وقتی صحبت از زمانه لگام گسیخته می‌شود،

منظور از شی‌ای

خاص نیست،

بلکه صحبت از

رفتارهای مردم

این سرزمین است که

است. در بین ما مردم، عرف است که در زمان خواندن خطبه عقد، زن باید حیا کند و پس از سه بار مطرح شدن پرسش از سوی عاقد، جواب مثبت را با صدایی بدهد که بیانگر حیای سرشار اوست.

فرهنگ ما ایرانیان، از جنس ادب است. ما با رسومی که برای ازدواج داریم، در واقع به مقام زن حرمت می‌گذاریم و اجازه نمی‌دهیم شخصیت زن با راه کارهایی خام و بی‌مایه، مخدوش شود.

ما از یک طرف، از فرهنگ اصیل ایرانیان کلی تعریف کردیم و انصافاً هم تعریفی هم هستند! اما برخی از افراد اصلاً تعریفی نیستند! کافی است دختری به آن‌ها پیشنهاد ازدواج بدهد! فقط خدا می‌داند که چه فکرهای بدی درباره آن دختر محترم نمی‌کنند. شما کمتر خانواده‌ای را می‌توانید پیدا کنید که این ماجرا را هضم کنند و به آسانی از کنارش بگذرند. آن دختری که دلباخته و عاشق همسر خود شده است، اگر به رسم دیرینه سرزمین خود عمل نکند، باید تا عمر دارد از سوی همسر و خانواده‌اش حرف تلخ بشنود و یکسره او را فردی منت کش بنامند!

ای کاش در این مواقع، دختران با هوشمندی خاص، موضوع را با فرد مورد اطمینانی مطرح کنند و از او بخواهند تا پیشنهاد ازدواج را نزد مرد مورد نظرشان مطرح کند. این راهکار زمانی ایده‌آل خواهد بود که مرد هرگز متوجه نشود این پیشنهاد، آیا از سوی فرد خیر مطرح شده است یا از سوی دختر مورد نظر...!

نکته: در اسلام اجازه ازدواج

دختر باکره با ولی پدر

یا جد پدری اوست

و دختر مستقلاً

نمی‌تواند تصمیم به

ازدواج با مردی بگیرد

که رضایت پدرش در

آن نباشد!

همواره، در تکاپوی روزمره‌گی و گرفتاری‌های زندگی، یکی پس از دیگری از دغدغه‌ها و باورهای کهن خود چشم می‌پوشند و به هر پیشنهاد نویی که خدا می‌داند سوغات کدام فرهنگ غریبست، رضایت می‌دهند تا کارشان راه بیافتد.

وقتی قرار باشد در برابر هر اتفاقی کوتاه بیاییم و حاضر به تحمل شرایط سخت نباشیم، فی‌الغور دست به ابتکار زده و با طرح راهکارهایی بی‌ریشه که هرگز متعلق به این آب و خاک نیست، چون باغبانی ناشی، ریشه باورهای جاودانه این سرزمین را از بیخ و بن می‌زنیم! غافل از این که فرهنگ ایرانیان از بطن اسلام ناب شکوفا شده و به همه زوایای ذات انسان‌ها و خلق و خوی‌شان توجهی جدی داشته است.

پیامبر نازنین اسلام، حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی ﷺ می‌فرمایند: «کسی که ازدواج کند، نصف دینش کامل شده است». حالا تصور بفرمایید ازدواجی که قرار است سبب آسایش زندگی و عامل بقای نسل آدمی باشد، چنانچه از مسیر درست و توصیه شده‌اش جلو نرود، و به‌عنوان مثال یک خانم برای ازدواج مستقیماً پا پیش بگذارد نتیجه معکوس دارد و زندگی به کام‌شان تلخ خواهد شد.

بی‌شک در طول زندگی، مرد و خانواده‌اش، همواره در بین مشاجره‌هایی که رخ می‌دهد، بهانه خوبی برای سرکوفت زدن به همسر خود دارند! چرا؟ چون پیشنهاد ازدواج از سوی زن به مرد داده شده است!

وقتی قرار باشد دو انسان به سنت الهی و امر خیری که بر پایه فطرت ذاتی‌شان تدوین شده است، عمل کنند، شایسته است به تجربیات فرهنگی تکیه و اعتماد کنند که سال‌ها تجربه شده و نتیجه مثبت داده است.

همه مردان را عاشق می‌نامند و زنان را معشوق! عاشق اظهار عشق می‌کند و معشوق دوست داشته می‌شود. برآستی این چه رسمی است که قرار است در بین ما مردم رواج پیدا کند؟! مگر یادمان رفته است که زن مظهر حیا

